



گزارش فستیوال آدم برفیها

امروز یکشنبه 10 دی ماه 85 مراسم فستیوال آدم برفی ها در پارک جنگلی آبیتر (امیریه) توسط فعالین کانون دفاع از حقوق کودکان برگزار شد این مراسم برای بیان درد ها و مشکلات کودکان و هم چنین ایجاد فضایی شادی برای مردم توسط کانون دفاع از حقوق کودکان سازماندهی شده بود

این مراسم از ساعت 1 با ایجاد کمی در امیریه کار خود را آغاز کرد که مردم در اطراف آن جمع شدند و شروع به ساختن آدم برفی و صحبت با فعالین کانون شدند.

در این مراسم کانون دفاع از حقوق کودکان کارها که روی آنها نوشته شده بود: کودکان با ید در اولویت برنامه های جامعه قرار گیرند؛ آموزش، بهداشت و درمان، شادی و رفاه حق کودکان است.؛ دنیا را برای کودکانمان امن تر کنیم؛ به کانون دفاع از حقوق کودکان بپیوندید؛ اعدام، شکنجه، استثمار و هر گونه سوء استفاده و بد رفتاری با کودکان ممنوع!...

نصب کرده بودند همچنین فعالین و اعضای کانون با ایجاد فضایی صمیمی با مردم نقش خود را در دفاع از حقوق کودکان بیان می کرد که مردم از ایجاد این گونه برنامه ه برای کودکان اعلام



رحمان حسین زاده

اعدام صدام: تلاشی برای پرده پوشی شکست

حلق آویز کردن صدام حسین از نظر معماران و برپا دارندگان چوبه دار اعدام وی هم ربطی به "اجرای عدالت و کیفر خواست" مردم زجر کشیده از دست رژیم سفاک صدام و بعث ندارد. پروپاگاند و اروونه منیای نوکر، بخشی از مهندسی افکار عمومی در خدمت اهداف مجریان این آکسیون مضحک یعنی آمریکا و متحدین محلی و بین المللی آن است.

از زوایای مختلفی در مورد اعدام صدام نوشته شده است. از جمله از زاویه نقطه عزیمت انسانی و درست مخالفت با حکم اعدام، در مورد عدم صلاحیت جنایتکارانی چون بوش و بلر و نوری مالکی و دولت کنونی عراق در محاکمه جنایتکاری چون صدام، از نمایش تهوع آور "دادگاهی" یکساله تا تلاش آگاهانه برای مسکوت گذاشتن پرونده حامیان بین المللی صدام و بعث در بزرگترین و شاخص ترین جنایتهای سهمناک آنها و نهایتا از لگد مال شدن کیفر خواست مردم علیه جنایتکاری که سه دهه خون مردم یک کشور را در شیشه کرد.

در اینجا فرصت پرداختن مجدد به همه این موارد نیست. در این میان به این سؤال باید جواب داد که رابطه اعدام صدام و تحولات کنونی عراق چیست؟

اعدام صدام از روند جاری تحولات سیاسی عراق جدا نیست. "دادگاهی" یکساله وی و نهایتا حلق آویز کردن آن حلقه ای مهمی از جنگ آمریکا در عراق بود. بر خلاف تبلیغات سطحی اعدام صدام نه نشانه پیشروی آمریکا و نه نقطه عطفی به نفع آن، درست انعکاس شکست بوش و بلر و سیاست جنگی نظم نوینی در عراق است. آمریکا و متحدانش در باتلاق عراق گیر افتاده اند. شکست آنها مسجل شده است. گزارش بیکر - هامیلتون به این شکست صراحت داده است. بر این اساس همین روزها

کار کودکان ممنوع؛ محیط سالم آرامش و آسایش برای کودکان باید فراهم شود و... که بین مردم دست به دست می شد

رضایت و حمایت از کانون می کردند

در این مراسم کودکان همراه با والدین خود آدم برفی های زیبا می ساختند و در اطراف آن شادی می کردند و تراکتهایی که از طرف کانون دفاع از حقوق کودکان تهیه شده بود در کنار آدم برفی ها قرار می دادند

روی این تراکتهای نوشته شده بود: انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر 18 سال ممنوع؛ استثمار کودکان ممنوع؛ شادی، امنیت و داشتن یک زندگی مرفه و انسانی حق کودکان است؛ خشونت بر کودکان ممنوع؛ امنیت و آزار کودکان ممنوع؛ همه با همه به یاری کودکان بی پناه و خیابانی بشتابیم؛

در قسمت دیگری از پارک فعالین کانون با ایجاد ایستگاه نقاشی تعداد بسیار زیادی از کودکان و نوجوانان به همراه خانواده هایشان را در این محل جمع کرده بودند و کودکان با ایجاد نقاشی های زیبا و شور و هیجان زیاد در آنجا اطرافیان را به وجد آورده بودند

این مراسم در میان شور و شوق مردم در ساعت 5 به پایان رسید.

در صفحات دیگر بیاتیه کانون دفاع از حقوق کودکان

ص 2

تظاهرات مردم سقز: خالد حاج

محمدی ص 2

هویت انسانی کجا رفت؟: مظفر

محمدی ص 3

بختک سنگسار: پری زارع ص 4

اطلاعیه کمیته سردشت ص 4



تظاهرات مردم سقز

مردم با مشکلات جدی دست و پنجه نرم میکنند. در شهر سقز مردم تظاهرات بزرگی را

کمبود گاز و مواد سوختی و تنگنای مردم

علی احمدی از بوکان

بیش از یک هفته است که سرمای شدید فضای منطقه و شهرهای کردستان را فرا گرفته است. این در شرایطی است که گاز رسانی بیشتر نقاط شهرها قطع شده است. در شهرهای سقز، بانه، نفده، اشنوویه، سردشت و پیرانشهر با

بیاتیه ی کانون دفاع از حقوق کودکان به مناسبت فستیوال بزرگ آدم بر فیها

زمستان است هوا سرد و سخت اما این بار سلامت را پاسخ خواهند گفت، سرها در گریبان نیست، دستها در گریبان نیست. دستهای کوچک در دست هم گره خورده و با برقه‌های سفید زندگی تازه رقم می‌زنند و دنیایی می‌سازند با هر آنچه نداشته‌اند، دنیایی مالامال شادی سرور و احترام و به تمام جهانیان می‌گویند آری آری دنیای بهتری ممکن است. دنیایی که در آن هیچ کودکی به خاطر هیچ چیز کتک نخواهد خورد. تحقیر نخواهد شد. هیچ کودکی آدامس نخواهد فروخت. شلاق نخواهد خورد و در زیر پل‌ها و در مسیر عبور رهگذران نخواهد خوابید. همه ی کودکان به مدرسه خواهند رفت و درس احترام به بشر و شاد زیستن را فرا خواهند گرفت و فقر، خشونت اعدام، نابرابری، رعب

بوش و بلر باید جام زهر عقب نشینی و چرخش در استراتژی و سیاست و جنگ در عراق را بنوشند. اجرای نمایش فرمال پیروزی لازم است تا عوارض و پیامدهای شکست واقعی را تخفیف دهند. اعدام صدام حسین لازم شد تا شکست کنونی را پرده پوشی کنند. اعدام صدام حسین لازم شد تا در چرخش جدید از کل پدیده سفاک رژیم بعث اعاده حیثیت شود و در بازسازی ارتش عراق فرماندهان جنایتکار بعث بکار گمارده شوند، دفن صدام حسین لازم شد تا به همراه آن پرونده همکاری و همدستی قدرتهای بزرگ و در راس آنها خود آمریکا با صدام حسین و رژیم بعث دفن شود. کشتن صدام حسین لازم شد تا کینه و نفرت قومی و مذهبی مورد نیازشان را برای تشدید سناریوی سیاه موجود در عراق تامین کنند. درس مهم این واقعه اینست، مردم باید خود را از چنبره ارتجاع نظم نوین آمریکا و قومی و اسلامی خلاص کنند. پایان دادن به اشغالگری آمریکا در عراق و کوتاه کردن دست دارو دسته قومی و مذهبی از زندگی مردم، کار صاف آذبخواه مردم است. کنگره آزادی عراق ابزار اینکار و لازم است آن را تقویت کرد.

ادامه کمبود گاز و

سازمان دادند. اکثر خانواده‌ها در زیر سرمای شدید به جان آمده و هیچ کدام از ارگانه‌های دولتی جوابگویی نبود گاز نیستند با تمام این وضعیت دست به هر چیزی می‌برید در بالاترین قیمت است که توانایی خرید را از مردم گرفته است. هر بشکه نفت در بازار ۴۰ هزار تومان و گاهی نانی ۱۰۰ تومان به فروش میرسد. به این ترتیب سرمای زمستان کمبودها و تنگناهای مردم را چند برابر کرده است. بیکاری و تنگدستی و فقر و فلاکت و فشارهای مأموران دولتی و دخالت در زندگی مان کم بود حالا سرما هم به آن افزوده شده است. آیا میتوان از رژیمی که با مردم اینجور رفتار میکند انتظار داشت به مردم سرمایه‌ده و گیر افتاده در سرمای چند درجه زیر صفر کمکی برساند. نه. محال است. اگر راهی برای نجات از این وضع هست خودمانیم. باید دست بکار شویم و جامعه‌ای بسازیم که از فقر و ناداری و بیکاری و بی مسکنی خبری نیست. از سرکوب و استبداد خبری نیست و جامعه‌ای است آزاد و مرفه و برابر. به امید آن روز و روزی که برقه‌های استبداد و بی عدالتی نوب میشوند و بهار آزادی فرا میرسد.

و وحشت دیگر افسانه خواهد بود. ما را تنها نگذارید دیر وقتی است سرود با هم بودن را با صدای دفاع از حقوق همه ی کودکان دنیا برایتان زمزمه کرده ایم. ما کانون دفاع از حقوق کودکان این بار نیز چون گذشته فرصت را غنیمت شمردیم تا در جشنی بزرگ در شهرهایمان در این زمستان سرد شادی را به قلبهای کوچک فرزندانمان هدیه کنیم و یادآور شویم حقوق پایمال شده ی هزاران کودک قربانی کار، بی عدالتی، جنگ، خشونت، بیماری، فقر و هزاران کودک که جایشان در این برف بازی بزرگ خالی است و در این زمستان سرد در کارگاههای کار خرج روزانه شان را در می‌آورند و از تحصیل محروم اند. جای هزاران کودک بیمار و معلول که قربانی جنگ و فقر و خشونت اند خالی. جای هزاران کودک فروشنده که در این زمستان سرد بسته های آدامس یخ زده ی خود را با سماجت حراج می‌کنند و ما این جای خالی را با پیوستن انسانهای

والا و مدافع حقوق کودک به کانون دفاع از حقوق کودکان پر می‌کنیم. ما کرد هم آمده ایم تا بگوییم با ما باشید. خواست ما خواست همه ی انسانهای آزاده و بشر دوست است بهره مند شدن همه ی کودکان از تمامی حقوق انسانی و در خور، فارغ از جنسیت شان، نژادشان، زبانشان و هر آنچه که دیوارهای جدایی بین انسانها می‌کشد. خواست ما تامین فوری امنیت، مسکن و رفاه برای همه ی کودکان خیابانی و بی پناه است. خواست ما آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان برای همه ی کودکان است. خواست ما برچیدن ابزار خشونت و بهره کشی از کودکان است. خواست ما ممنوعیت حکم حبس، شلاق و اعدام برای کودکان است. با پیوستن به کانون دفاع از حقوق کودکان در تحقق دنیایی شاد برای همه کودکان سهیم باشید. دبیرخانه ی کانون دفاع از حقوق کودکان

هزاران نفر از مردم سقز در اعتراض به کمبود مواد سوختی تظاهرات کردند!

صبح امروز چهارشنبه ۱۳ دیماه از ساعت ۱۰ صبح صدها نفر از مردم شهر در مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواهان رسیدگی فوری به قطع گاز و کمبود مواد سوختی شدند. فرماندار و بخشدار رژیم از حضور در میان مردم و جواب به مطالبات آنها خودداری میکنند. یک نفر از شورای شهر توضیحاتی دال بر مشکلات رژیم در رابطه با گازرسانی میدهد که مردم مسخره اش میکنند. کم کم بر تعداد جمعیت افزوده میشود و شعار علیه بی مسئولیتی جمهوری اسلامی و کاربدستان آنها سر داده

میشود. بدنبال جمعیت از فرمانداری و میدان قدس راهی خیابان جمهوری شده و دست به تظاهرات می‌زنند. مردم معترض که تعداد آنها بالغ بر هزاران نفر میشود از خیابان جمهوری و میدان "هه لو" در مسیر خیابان خمینی به طرف میدان آزادی راه خواهند افتاد و در میدان آزادی تجمع میکنند. جوانان و مردم مبارز شهر در کل این مسیر علیه جمهوری اسلامی و عدم رسیدگی آنها به مشکلات مردم شعار میدهند و همزمان اعلام میکنند که اگر تا فردا اقدامی جدی از جانب مسئولین رژیم صورت نگیرد، دوباره دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. تظاهرات مردم در شهر سقز تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داشته است.

طبق اخبار رسیده در جریان اعتراضات امروز مردم مبارز سقز و در مسیر تظاهرات آنها شیشه تعدادی از اماکن دولتی از جمله فرمانداری، بانک ملی و بانک قوامین و ... شکسته شده است. نیروهای انتظامی در کل این مسیر چند بار قصد دخالت داشته اند که مردم به حضور آنها وقعی نگذاشته اند. لازم به توضیح است که امروز ۵ روز است که گاز در محلاتی از شهر سقز مثل محله بهارستان بالا و پایین، کریم آباد، شریف آباد، محله سیلو و تپه صالح آباد، گاز بطور کامل قطع است. کل محلات دیگر شهر به تناسب ممکن است یک تا دو ساعت در روز گاز داشته باشند. سرمای شهر ۳۰ درجه زیر صفر

است و مواد دیگر سوختی که باید در چنین شرایطی به مردم داده شود کمیاب است. امروز چهارشنبه به تعدادی از مردمی که کارت گاز دارند مقداری نفت داده شده که به همه نرسیده است. نفت را که به طور معمول هر ۲۰ لیتری ۴۰۰ تومان می‌خرند، در این چند روز در بازار سیاه قیمت آن ۶۰۰۰ تومان شده است.

طبق اطلاع روز یکشنبه در محله بهارستان به دلیل آتش سوزی که ناشی از بکار بردن وسایل نفتی به جای گاز بوده است خانه ای آتش می‌گردد که زنی با دو بچه در آن زندگی کرده اند. تلاش مادر برای نجات بچه هایش به جایی نمیرسد و متأسفانه قبل از رسیدن مردم به محل هر سه نفر جان خود را از می‌دهند.

کمیته سقز حزب حکمتیست ضمن ابراز تأسف عمیق خود از مرگ سه نفر در جریان آتش گرفتن یک منزل، این واقعه را به بستگان آنها تسلیت می‌گوییم. ما مردم مبارز سقز را به تشدید اعتراضات و افزایش فشار به مسئولین دولتی جهت تامین فوری مطالبات خود فرا میخوانیم. هیچ توضیحی نمیتواند

توجیه کننده این وضع فلاکتباری شود که دامنگیر مردم شهر سقز و تعدادی دیگر از شهر ها شده است.
خالد حاج محمدی
دبیر کمیته سقز حزب کمونیست
کارگری ایران حکمتست
۱۳ دیماه ۱۳۸۵ - ۳ ژانویه ۲۰۰۷



مظفر محمدی

هویت انسانی کجا رفت؟

در خبرها آمده است که: اولین کنگره علمی "هویت کرد" در دانشگاه تهران برگزار شد.

در این کنگره "قومی" لیستی بلند بالا از نهادها و شخصیت‌های کردی حضور یافتند. انگیزه شرکت کنندگان از قول یک عضو کانونی که به همتش این کنگره برگزار شده، این بوده است که چهره خشن و ناپسندی که در ۷۰ سال اخیر از کردها تصویر شده است را درازان بزدایند و هویت کرد را در افکار عمومی ایران مطرح نمایند! ما با این عبارت آشنا هستیم: "چهره خشن و ناپسند!"

از نظر ناسیونالیست‌های کرد دو خردادی سابق و واپس مانده های کنونی، جنبش آزادیخواهی در کردستان، بیش از دو دهه مبارزه مسلحانه علیه استبداد سیاسی و مذهبی در ایران، و سه دهه مبارزات سیاسی و اجتماعی و دفاع از حقوق کارگر و زن و کودک و جوان و ... "چهره ای خشن و ناپسند" است. اما این بحث کنونی من نیست. ما انگیزه های سازش و تقلا شریک شدن در قدرت با دولت اسلامی، در پشت پرده قوم پرستی را می‌شناسیم از این می‌گذرم. حال ببینیم ماجرا چیست؟

قبل از هر چیز ابعاد هویت کردی مورد نظر این کنگره را ببینید: هویت کردی و زبان، ناسیونالیسم و هویت کردی، هویت کردی و دین، هویت کردی و مدرنیته، ایندولوژی، هنر و حتی چیزی به نام کرمانشان و هویت کردی! ... و سرانجام دادن جایزه به نماینده هنری که تصویری عقب مانده و روستایی از مردم کردستان و زندگی و آرزو هایشان را به افکار عمومی القا میکند.

تصورش را بکنید از این نوع هویت شناسی و هویت تراشی های قوم پرستانه در مناطق مختلف ایران شروع شود. آنوقت میباید که چه تصویر زشت و وحشتناکی از جامعه انسانی ما داده میشود.

فکرش را بکنید فردا دانشجویان ترک زبان یا ترکهای مقیم تهران و اصفهان و دانشجویان عرب زبان و عربهای مقیم تبریز، دانشجویان فارس زبان و فارس

های مقیم سنج و ارومیه، لرها و بلوچها و ترکمن ها و روشنفکران و سران عشایر فارس و کهگیلویه و بویر احمد مقیم این و آن شهر و ولایت، هر کدام جمع شوند و در محله یا دانشگاه شهر از این کنگره ها برگزار کنند و تازه بعدا هم نوبت به لهجه های مختلف و مذاهب و فرقه های درویش و صوفی و کرمانج و سوران و بندری و مشهدی و ترکمن و غیره هم میرسد... آنوقت بیا و ببین چه جنگلی است! و جامعه ما دچار چه فاجعه ای خواهد شد!

طبقه ما و مردمان ستمدیده از جور ناسیونالیسم و مذهب و قومپرستی از این آقایان میسرود: پس هویت انسانیتان کجا رفت؟ این لشکر کثی کردی علیه کیست؟ جنگ شیعه و سنی در آستین دارید؟ جنگ قومی ترک و فارس، کرد و فارس ویا کرد و ترک و نسل کثی دیگری را میخواهید؟

آیا هدف آقایان کردهای مقیم مرکز و دانشجویان عزیز کرد و روشنفکران و علما و دکتر مهندسهای کرد زبان همین است؟ آیا این تحرکات پیش درآمد نسخه فدرالیسم متمدن و مدرن و روشنفکری کردی برای برپایی یک جنگ قومی و سراسری در ایران نیست؟ هر چه هست اما ما از آنها نمی‌پذیریم و نمی‌گذاریم. ما به اینها اجازه جنگ قومی و مذهبی را تحت هیچ عنوانی نخواهیم داد.

کارگران در کردستان این هویت ماورای انسانی را به رسمیت نمی‌شناسند و هیچ منافع و یا حتی احساس مشترکی با هیچیک از مقالات ادبی-سیاسی و لفاظی های علمی - هنری این آقایان ندارند. نبض کارگران در کردستان با نبض کارگران شرکت واحد تهران، مثال آلمان و حمل و نقل فرانسه و ... میزند. منافع مشترک طبقاتی و اجتماعی و انسانی تنها هویتی است که برای طبقه کارگر معنا و مفهوم آزادی و برابری و انسانیت را دارد.

از اشعار و ادبیات و هنر و مقالات اینها بوی خون و قومپرستی و فاشیسیسم می آید. این افاضات جز تنفر، احساسات را به تحرك و هیجان در نمی‌آورد. سر جنبانان اینها شکم سیرهای همطراز بها و جلالی زاده های پشت درب مجلس اسلامی را اگر همه نشناسند ما می‌شناسیم.

ما به اینها می‌گوییم، شما کنگره تان را با هر پسوند علمی و یا هنر و مدرنیته و غیره بیارید کماکان جای شیخ های خوزستان، عشایر بلوچ، خان و بیگلرهای آنزبایجان، "آغا"های

منگورو بوکان، کخداهای و عشایرالیسان و خانهای قندهار و دره پنجشیر و غیره میاتنان خالی است. ما از جوانان و دانشجویانی که از هویت کردی شما فقط زبانش را آنهم کمی دارند و فارسی را سلیس تر حرف می‌زنند، می‌پرسم دوستان! شما اینجا چکار میکنید؟! کدام منافع دانشجویی و انسانی و آزادیخواهانه تان از این کنگره در میاید؟ جای شما در صف ۱۶ آزدانشگاه تهران و در کنار رفقا و دوستان و همکلاسیهاتان بود و هست. قبول دارید؟

آقایان! کنگره شما اجتماع نفرت پراکنی قومی است. ما پرده علمی و هنری و مدرنیته ایی این اجتماع نفرت پراکنی را برای مردم کنار می‌زنیم ما شما را می‌شناسیم و به مردم می‌شناسانیم. تاریخ را نمیشود انکار کرد. زیاد دور نیست تاریخ همین دو نسل کنونی نشان داده است که از این فضیلت مآبی عالمانه شما و از جنبش ناسیونالیستی تاریخی تان هیچوقت قبلی برای مردم ستمدیده در کردستان ایران و منطقه دوخته نشد و نمیشود.

جنبش ناسیونالیستی کرد در منطقه هیچگاه نماینده رفع ستم ملی نشد و نیست. قومپرستی شماها و هویت شناسی "علمی" تان هیچ ربطی به این ستم ندارد. شماها لشکر جنبشی هستید که سالها است در خدمت جمهوری اسلامی و در تالار مجلس اسلامی و یا پشت دروازهای این رژیم، شریک شدن در قدرت را گدایی یا سودایش را در سر می‌پروارند. رهبران جنبش شما یکی پس از دیگری سرشان را در این راه مقدس بر باد دادند. و رهبر اخیرتان، آقای خاتمی هم ۸ سال اصلاح طلبی اش را به مردم فروخت و برای رژیمش طول عمر خرید.

آقایان! به جای این کنگره بازی ها، وقتتان را صرف کارهای بهتری کنید. انرژیتان را در راه انسانی مصرف کنید. باور کنید این تلاشهای عالمانه و فاضلانه، شما را به قدرت نمیرساند. جنبشتان را نگاه کنید. احزاب جنبش تان را در کردستان ایران و جنبش تان در کردستان عراق را نگاه کنید که چنان حال و روز خوشی ندارند. آینده شان پس از دوده حاکمیت، از روز اولشان تاریک تر است. ما از این آخر و عاقبت خوشحال نیستیم که دوش به چشم مردم رفته و میرود. ما از همان روز اول به این روسایان گفتیم که راه سر راست تری هم وجود دارد و آن استقلال و

تشکیل یک دولت غیر قومی در کردستان عراق است و این سمپاتی جهانیان را هم با خودش خواهد داشت. گوش نکردند و راه خود را رفتند که آویزان شدن به سیاستهای ضد بشری امریکا و پر کردن کیسه هایشان بود. شما میتوانید بگویید که چه آینده ای پیشروی مردم این منطقه در جهنمی که کشور عراق نام دارد قرار گرفته است؟ انصافا نمیتوانید خوش بین باشید!

آقایان! کنگره شما چه با پسوند علمی و یا بدون آن جزئی از یک جنبش عمومی تر ناسیونالیستی و قوم پرستانه است. از احزاب سیاسی این جنبش تا همه نهادهای کردی و کنگره ها و جمعیهاتان سر و ته یک جنبشید. جنبشی که ربطی به هویت انسانی ندارد و به شدت تفرقه افکنانه و قومپرستانه و فاشیستی است. هنوز صدای "فارس خر است" ناسیونالیستهای آنزبایجانی در گوشهامون میپیچد. حرکت شما هم گوشه ای دیگر از این نهضت نامبارک قومی است.

اما باور کنید، اتفاقی که در سالن کنگره قومی در دانشگاه تهران و به همکاری دانشگاهیان دولتی افتاد سر سوزنی ربطی به منافع مردم دنیای پشت آن سالن نداشت و ندارد. طبقه کارگر در سراسر ایران، کارگران در کردستان، زنان برابری طلب و جوانان خواهان رهایی اخلاقی و فرهنگی، برای هویت شناسی قومی تره خرد نمیکند. تنها قرب خود می‌یرید و زحمت ما میدارید!

در ۱۶ آذر امسال، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، حوصله شنیدن افاضات ناسیونالیستی ابراهیم یزدی و سرود ای ایران را نداشتند. روزی میرسد همین تعداد دانشجوی این و آن تشکل کردی هم حوصله شان از افاضات هویت شناسی و تراشی کردی سر برود و راه دیگری انتخاب کنند. این را من عمیقاً باور دارم. تلاشهای قومپرستانه و تفرقه افکنانه و دامن زدن به کینه قومی، محکوم و مردود است. این جنبشی به شدت نفرت انگیز است. از اهواز تا تبریز و از کرکوک تا مهاباد و از بغداد و بصره تا بلگراد و کابل ...

هویت انسانی و آزادیخواهی و برابری طلبی به اندازه کافی جذاب و انسانی است. باید به این صف پیوست. جامعه انسانی به اندازه کافی زخم ناسیونالیسم و قوم پرستی را بر پیکر خود دارد. دیگر بس است. انسانیت و انساندوستی همه را فرا میخواند. باور کنید زندگی بدون ناسیونالیسم و قوم پرستی و دین و مذهب، شیرین تر و دنیا بدون آن بی



دردسرو آرامتر است. ما گفتیم و میگوییم که ستم بر مردم کردستان در منطقه راه حل انسانی و شرافتمندانه دارد. باید شرایطی فراهم کرد که مردم در یک رفتارند آزاد سرنوشت خود را تعیین کنند که در چارچوب عراق و یا ایران و ترکیه میماند یا جدا میشوند. فراهم کردن این شرایط نه کار کنگره کردی و هویت شناسی، نه کار جنبش ناسیونالیستی کرد در منطقه (که تاریخ هم این را نشان داده است) و نه کار اصلاح طلبان درون جمهوری اسلامی است. این کار ما است. کار طبقه کارگر ایران است. کار دولتی است که اکثریت مردم متشکل در شوراهای کارگری و مردمی میتوانند به آن رای بدهند و راهش را هموار کنند. این کار نمکراسی خواهی امریکایی آبرو باخته هم نبوده و نیست. کسی که تا دیروز برای نعمت حمله نظامی امریکا به قیمت خانه خرابی میلیونها انسان کیسه ثروت و قدرت دوخته بود، امروز اگر شرمساریش را پنهان میکند، اما شکست و بی اقباش را نمیتواند انکار کند. بی

افقی جنبش ناسیونالیسم کرد در منطقه و بحران هویتی سیاسیست فرصت و شانس برای طبقه ما و کل مردم ایران صرف نظر از ملیت و زبان و فرهنگ و دین و غیره بدست داده است. فرصتی که اجازه ندهد بار دیگر قوم پرستی و فدرالیسم و سازش با جمهوری اسلامی به بهانه دیگر برگردد و تاخت و تاز کند. ما باید این راه برگشت را سد کنیم. اگر قرار است کنگره ای تشکیل شود کنگره احزاب و جریانات و شخصیتهای آزادیخواه در سراسر ایران و یوزبسیون سرنگونی طلب است که با هم گرد آیند و به اصولی انسانی پایبند شوند. اصولی که شامل پایبندی به آزادیهای بی قید و شرط، سیاسی، آزادی بیان و تشکل مطبوعات، فاصله گرفتن با هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و مخالفت با هر گونه دخالت خارجی، سرنگونی بی اما و اگر رژیم اسلامی، محکومیت قوم پرستی، لغو مجازات اعدام و تحقق برابری زن و مرد، و... است.

بختك سنگسار همچنان برزندگی زنان و مردان سایه افکنده است!

پری زارع

در بهمن ماه ۸۱ پس از سالها تلاش فعالین و شخصیتهای زنان و نهادها و سازمانهای دفاع از حقوق زنان در داخل و خارج کشور در حالیکه دهها نفر از زن و مرد در زندانهای جمهوری اسلامی به سنگسار محکوم شده بودند رئیس قوه قضاییه رژیم ناچار شد حکم شنیع سنگسار را به تعلیق درآورد. همانموقع شخصیتها و نهادهای برابری طلب و آزادیخواه در درون و بیرون جنبش زنان اعلام کردند که این یکی دیگر از شگردهای رژیم برای در رفتن از زیر ضرب فشار آزادیخواهان و مدافعین حقوق زن است چرا که دستور تعلیق سنگسار داده شد اما اجرای سنگسار متوقف

نشد و یا با مجازات اعدام جایگزین شد. مرداد ماه امسال زنی به نام معصومه، محکوم به سنگسار پس از انتقال از زندان رجایی شهر به زندان اوین، در یک اتاق در بسته حلق آویز شد. در اسفند ماه ۸۴ زن دیگری که به سنگسار محکوم شده بود در قزوین در ملاء عام به دار آویخته شد. در اردیبهشت ۸۵ با محبوبه و عباس پیش از سنگسار همچون مردگان رفتار شد، بدنهایشان در مرده شویخانه بر اساس موازین اسلامی غسل داده شد و سپس در کفن پیچانده شدند. محبوبه تاشانه، و عباس تاکمر، در خاک یکی از گورستانهای مشهد دفن شدند و سپس از سوی جمعیتی که برای کشتن تدریجی آنان داوطلب شده بودند، هدف پرتاب سنگ قرار گرفتند...

صورت سنگسار و چه جایگزین شده آن، همچنان بر بالای سر زنان و مردان میچرخد. آیا تلاشهای موجود میتواند این بختك را برای همیشه از زندگی انسانهای جامعه بزداید؟ تجارب تاکنونی نشان داده است که این تلاشهای انسانی موثر بوده اما کافی نیست. باید منتظر اقدام هماهنگ همه انساندوستان و آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر در سراسر ایران و جهان بود. باید به این کابوس هولناک خاتمه داد و این لکه ننگ را از پیکر جامعه زدود. این کار ممکن است.

بخصوص در مورد سنگسار ماده ۱۰۵ قانون قرون وسطایی مجازات اسلامی آفندر دست قاضی را باز گذاشته که "در صورت عدم وجود مدارك كافی برای اثبات جرم" بر اساس تمایل و تشخیص و با استناد به "علم" خویش میتواند متهم را مجرم اعلام کرده و او را به سنگسار محکوم کند. از نظر محاکم شرعی و بر اساس سنت و عرف شرعی و اسلامی حاکم بر مقررات نیمی از انسانهای جامعه ما قرار نیست که با لغو سنگسار رابطه آزاد عاطفی مابین انسانها آزاد شود بلکه بحث بر سر تعیین مدل "آبرومندان تر" مجازات مرگ است. به این ترتیب بختك مرگ چه به

نهادهای فعال حقوق بشر استمداد طلبیده اند. اخیرا تلاشهایی با عنوان "کمپین برای قانون بی سنگسار" در جریان است که هدف خود را تلاش جهت حذف قانون سنگسار و نیز شناسایی محکومین به سنگسار در زندانهای جمهوری اسلامی تعریف کرده است. این تلاشها در نوع خود مثبت است اما برای نجات جان ملکها و محبتها و هلاک ها و دهها و صدها سرنوشت محتوم به مرگ کافی نیست. اعدام در جمهوری اسلامی در ملا عام و در خفا چیز تازه ای نیست. سالانه چندین بار مراسم اعدام رسماً با برپایی چوبه های دار و در برابر چشمان مردم به اجرا در میآید.

هم اکنون سرگذشت هولناک این قربانیان در انتظار دست کم ۱۲ نفر (۱۰ زن و ۲ مرد) از شهرهای ارومیه، شیراز، تبریز، اهواز، جلفا، ورامین، تهران، کرج و ساری است که نامشان تا کنون اعلام شده است. نام ملك (شمامه) قربانی ۳۴ ساله اهل نقده هم در این لیست سیاه است. او که در سال ۸۵ به سنگسار محکوم شده بود اخیرا حکم اجرای آن را از دادگاه ارومیه دریافت کرده است. بر اساس آنچه از سوی نهادهای فعال حقوق بشر اعلام شده در کردستان و ارومیه علاوه بر ملك ۲ زن دیگر به نامهای محبت محمودی ۴۰ ساله و هلاله محمدزاده ۳۰ ساله به قصاص محکوم شده اند و از

اطلاعیه کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

روز شنبه نهم دیماه جاری زن جوان 22 ساله ای به نام قمر شیخه پور در روستای نستان از منطقه گورک در حومه سردشت در مقابل چشمان پدر و مادرش اقدام به خودسوزی نمود. قمر جوان برای مداوای جراحات عمیق ناشی از خودسوزی به بیمارستان شبستر انتقال یافت، که به گفته پزشک معالج وی میزان سوختگی بیش از پنجاه درصد است و امکان زنده ماندنش کم است. طبق اطلاع گزار ارشگر ما که از نزدیک این رویداد را تحقیق کرده است، قمر بلبل ناملایمات زندگی و داشتن کشمکش و اختلاف با پدر و مادرش اقدام به اینکار کرده است. طبق خبر دیگری روز پنجشنبه هفتم دیماه دو ماشین که حامل بنزین بوده اند، مورد تعقیب نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفته و در 10 کیلومتری سردشت در نزدیک روستای قولتی با هم تصادف که در یکی از ماشینها فردی بنام آریز فقه نبی فرزند عمر کشته شده و از ماشین دیگر نفری بنام امیر معینی فرزند خدر حاجی محمد از روستای کهوه لان دچار جراحات سنگینی شده و به بیمارستان ارومیه انتقال داده میشود. از جانب کمیته سردشت به خانواده و نزدیکان آریز فقه نبی تسلیت گفته، برای قمر شیخه پورو امیر معینی آرزوی بهبودی مینمائیم. بی گمان تا زمانی که جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی و کشتارش برقرار باشد قربانیانی از نوع قمر، آریز و امیر و هزاران انسان دیگر را روزانه خواهد گرفت. راه دیگری جز مبارزه متحد مردم و پلئین کشیدن این حکومت وحشی از اریکه قدرت وجود ندارد.

علی عبدالی: ali_abdali_7@yahoo.se

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com
Tel:0046739855837